

آشنایی کلی با مبانی رنگ‌سازی در هنرهای سنتی ایران (با تأکید بر نسخه‌های قرون ۴ تا ۶ هجری)

چکیده

رنگ‌ها دارای ویژگی‌های بصری، معنایی و عرفانی خاصی هستند که این ویژگی‌های منحصر به فرد، آن‌ها را در زمره‌ی مهمترین ابزارهای خلق آثار هنری قرار داده است. معانی پنهان و درونی رنگ‌ها در رنگ‌سازی سنتی تاکنون مغلق و سر بسته باقی مانده است. در شیوه‌های ساخت رنگ‌سازی سنتی ایران، عناصر کاربردی، جایگاه و هویت ویژه‌ای دارند. این پژوهش پلی برای شناخت صحیح رنگ‌سازی سنتی و اشاره به ارتباط علوم در سنت اسلامی دارد. بازشناسی چگونگی کاربرست رنگ در هنر و ماهیت آن مسئله‌ای قابل تأمل است. آشنایی با مبانی کلی رنگ‌سازی سنتی ایران اسلامی در جهت ساخت، پیش‌برد و احیاء مجدد رنگ‌سازی پیچیده‌ی در هنر سنتی ایران حائز اهمیت است. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که شیوه‌ی ساخت صحیح رنگ در هنر سنتی ایران بر اساس دستورات پیشین و ارتباط آن با علوم دیگر بوده است. دستیابی به چگونگی ارتباط شیوه‌های ساخت عناصر چهارگانه، طبایع چهارگانه و کیفیات مزاج هر عنصر در ترکیب با عنصر دیگر، نتیجه مهم حاصل از این پژوهش در رنگ‌سازی سنتی ایران اسلامی است. امتزاج و ساخت همه رنگ‌ها در گذشته بر مبنای شیوه‌های ساخت چهارگانه عناصر (حرارتی، خیساندنی، فشردنی، پودر شدنی)، طبایع چهارگانه عناصر (آتش، هوا، آب، خاک) و مزاج عناصر (گرمی، سردی، تری، خشکی) بوده است. کیفیت کاربرست این رنگ‌ها و ماهیت آن را می‌توان در نسخ مصور در قرون ۴ تا ۶ هجری مشاهده کرد.

اهداف پژوهش:

۱. آشنایی با مبانی کلی رنگ‌سازی سنتی ایران.

۲. شناخت رنگ‌های اصلی در چرخه رنگ‌سازی در هنر سنتی ایران.

سوالات پژوهش:

۱. مبانی کلی رنگ‌سازی سنتی در هنر ایران چیست؟

۲. رنگ‌های اصلی در چرخه رنگ‌سازی ایران کدامند و اساس ترکیب این رنگ‌ها چگونه است؟

کلیدواژه‌ها: مبانی رنگ‌سازی، هنرهای سنتی ایران، طبایع و مزاج، نسخه‌های قرون ۴ تا ۶.

با مروری در تاریخ رنگ‌سازی سنتی ایران آشکار می‌گردد که ایرانیان در به‌کارگیری رنگ و نقش و نگار از مهارت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند و در دوران قبل و به خصوص بعد از اسلام آثار گرانبها و بسیاری از خود برجای نهاده‌اند و با کیمیاگری خود صنعت رنگ‌سازی سنتی در ارتباط تنگاتنگ با علوم دیگر را رونق و قوت بخشیدند. در سال‌های اخیر مطالعات فراوانی در رنگ‌های سنتی ایران اسلامی انجام گرفته است، اما به نظر می‌رسد غالب پژوهش‌ها و مطالعات انجام یافته، نظر به وجه عرفانی، حکمی، فلسفی، ادبی، توصیفی و غیره ... در موضوع رنگ‌ها داشته‌اند و جای پژوهش‌های جدی و نکته‌سنجانه، در مورد کشف ضمیر فنی و کاربردی و شیوه‌های ساخت در رنگ‌سازی سنتی استادکاران پیشین، خالی است. این کم‌کاری در مورد رنگ‌سازی سنتی به ویژه شیوه‌های ساخت رنگ‌ها با اطمینان توسط نگارنده مطرح می‌شود، از این رو، ضروری به نظر رسید جهت رفع این کمبود اساسی، مطالعه‌ای برای کشف آموزه‌های پنهان رنگ‌سازی سنتی قرون اولیه صورت پذیرد. این پژوهش با معرفی پیشینه‌ی نظری و پیشینه‌ی تجربی، روش و چارچوب تحقیق و یافته‌ها، ضمن اشاره به شیوه‌های رنگ‌سازی سنتی به کار رفته در قرون اولیه، به بررسی و تجزیه و تحلیل و تعریف جدید و صحیح از رنگ در رنگ‌سازی سنتی بر اساس مزاج و طبایع چهارگانه که اصول پایه و اساسی رنگ‌سازی سنتی ایران در قرون اولیه است، می‌پردازد.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تا کنون اثر مستقلی به رشته تحریر در نیامده است. با این حال آثاری درباره رنگ‌سازی به رشته تحریر در آمده است. «محمدبن ادريس قضاعی قَلْلوسی» (۱۴۲۷ه.ق) در کتاب خود به نام «تُحْفُ الْخَوَاصِّ فِي طَرْفِ الْخَوَاصِّ» به زبان عربی رنگ‌های اصلی در رنگ‌سازی سنتی را نام برده و به طور مستقیم به بدل آن‌ها اشاره کرده است همچنین به شکل غیرمستقیم، ترتیب خاصی را برای ترکیب عناصر مذکور در رنگ‌سازی بیان کرده است. «امید صادق پور» (۱۳۹۲) در کتابی با نام «مقدمات و مبانی داروسازی سنتی ایران» به رنگ‌ها و مزاج و اقسام آن و شناخت درجات آن پرداخته است، وی در فصلی به استدلال رنگ‌ها در تعیین مزاج داروها پرداخته است. «ناظم جهان، محمد اعظم» (۱۳۹۴) در فرهنگ دو جلدی «محیط اعظم» گنجینه‌ای استثنایی و فاخر در علم مفردات دارویی به تعریف مزاج و تقسیم رنگ‌ها به شش نوع پرداخته است. «نادر اردلان و لاله بختیاری» (۱۳۸۰) در کتاب «حس وحدت»، سنت عرفانی در معماری ایرانی، در فصلی به تجزیه و تحلیل رنگ‌ها با دیدگاهی مقدس و عرفانی و در ارتباط با نور پرداخته‌اند. «عقیلی خراسانی» (۱۳۷۱) در «مخزن الادویه» و «شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا» (۱۳۸۳) در «القانون» به تعاریفی مشابه بالا در انواع مزاج و ارتباط آن با رنگ‌ها و تشویب آن‌ها برای تعیین مزاج در طب سنتی پرداخته است. «آرزو پوریایی و محسن مرانی» (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «روش ساخت و کاربرد حبر اسود در نسخ خطی با تأکید بر رساله‌ی «عُمدَةُ الْکُتَابِ» مضبوط در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی» به چهار شیوه‌ی ساخت مرکب‌سازی و رنگ‌سازی اشاره‌ی مستقیم کرده‌اند. همچنین در «عُمدَةُ الْکُتَابِ وَعُدَّةُ دَوَى الْأَلْبَابِ ابْنِ بَدِيسِ صِنْهَاجِي (۱۳۶۷ه.ق)»، «قَطْفُ الْأَزْهَارِ فِي خِصَائِصِ الْمَعَادِنِ وَالْأَحْجَارِ أَحْمَدِ

بن عوض بن محمد المغربي (بیتا)»، «بیانُ الصناعات حبیبش تفلیمی (۱۳۳۶)» به شکل کاملاً سربسته به رنگ‌ها و عناصر اصلی ساخت رنگ‌ها بدون اشاره به طبایع و مزاج آن‌ها پرداخته است. نویسندگانی همچون «هانری کربن» (۱۳۹۰) در «واقع‌نگاری رنگ‌ها و علم میزان»، «سید حسین نصر» (۱۳۵۶) در «ایران پل فیروزه»، «نجم الدین رازی» (۱۳۸۷) در «مرصاد العباد» در کتب خویش مضامین ناب عرفان و حکمت در رنگ‌سازی را به زیبایی تشریح کرده‌اند. همچنین مقالات زیره‌ریک از زاویه‌ای و با هدف خاصی، عنصر رنگ را در شعر و نثر فارسی بررسی کرده‌اند. «کارکرد رنگ در شاهنامه فردوسی با تکیه بر دو رنگ سیاه و سفید»، اثر «حسنعلی و احمدیان» (۱۳۸۶). «مقایسه کاربرد رنگ در ابیات و عناصر بصری نگارگری در دو اثر منظوم خسرو و شیرین و لیلی و مجنون»، اثر «محمد رضا رضانژاد و احمد غنی‌پور ملک‌شاه» (۱۳۹۹). همچنین مقاله «تحلیل کاربرد رنگ در نگاره‌های معراج‌نامه میرحیدر بر مبنای جایگاه رنگ در قرآن مجید و احادیث»، عنوان مقاله‌ای از الهه توبی‌های نجف‌آبادی و زهرا فنایی است که در آن به بررسی نمادها و مفاهیم رنگی به کار رفته در قرآن و چگونگی تأثرات و تصمیمات هنرمند از این مفاهیم در ارائه مضامین دینی نگاره‌ها می‌پردازند. در بسیاری از پژوهش‌ها در سنت اسلامی توسط پژوهشگران هنرهای سنتی همچون تیتوس بورکهارت، هانری کربن، نجم الدین رازی، صدرالدین محمد و همچنین پژوهشگران معاصر، رنگ تاکنون از دیدگاهی مقدس، عرفانی، حکمی و یا فلسفی و یا در ارتباط با نور مورد بررسی قرار گرفته است. این مطالعه از این جنبه حائز ضرورت و اهمیت است که شیوه‌های ساخت رنگ‌های سنتی را بر خلاف پژوهشگران و هنرمندان دیگر با دیدگاهی علمی و کاربردی مطرح کرده و منجر به آشنایی کلی با امر مهم و محال مبانی رنگ‌سازی سنتی می‌شود.

روش انجام تحقیق به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و با توجه به تحقیقات و آزمایشات و آزمون و خطاهای پیشین در زمینه‌ی چهار شیوه‌ی ساخت رنگ‌سازی سنتی صورت گرفته است. رنگ‌سازی و عناصر اصلی آن در نسخه‌ها و رسالات اصیل به صورت فهرست‌وار و مغلق بیان شده‌اند که در بخش تجزیه و تحلیل سعی در تجمع این تفرقات بر اساس آزمایشات و پژوهش‌های اخیر شده است. مباحث و مبانی زیر همگی به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم به بیان انواع عناصر و رنگ و تعداد رنگ‌ها در سنت و در تمامی علوم از قبیل رنگ‌سازی، داروسازی، هنر، عرفان و غیره ... می‌پردازد، به گونه‌ای که همه‌ی علوم به زبان خود یک موضوع یکسان را مطرح می‌کنند اما به صورتی مجزا. در این مبحث به بیان مبانی کلی رنگ‌سازی با گرایشی که مشابه آن در داروسازی برای تعیین مزاج دارو به کار می‌رود و یکی از پایه‌های اصلی مبانی رنگ‌سازی در قرون اولیه بوده است، پرداخته می‌شود.

نتیجه‌گیری

بررسی مبانی رنگ‌سازی سنتی ایران نشان می‌دهد که منشأ رنگ‌های اولیه در هنر ایران شش رنگ «سیاه»، «سفید»، قرمز، زرد، سبز، ازرق است. در برخی عناصر موجود در طبیعت رنگ‌دانه‌هایی وجود دارد که امروزه و در عصر معاصر با دید فیزیکی و به صورت ظاهری رنگ‌دانه‌ها را با یکدیگر ادغام کرده و رنگ‌هایی ساخته می‌شود که

هیچ شباهتی با رنگ‌های حقیقی موجود در هنرهای سنتی ندارند. اصول و مبانی رنگ‌سازی سنتی ایران ادغام اصول فیزیکی و شیمیایی و یا به عبارتی ادغام اصول باطنی و ظاهری است. در اصول حقیقی رنگ‌سازی، ذات حقیقی عناصر در حالت شیمیایی و در اصول مجازی رنگ‌سازی ظاهر فیزیکی عناصر موجود در طبیعت و ترکیب آن‌ها به ساخت رنگ منجر می‌شود. دلیل این که دو رنگ اصلی «سیاه» و «سفید» را پایه ساخت تمامی رنگ‌ها در رنگ‌سازی سنتی می‌دانند فعل و انفعالات ایجاد شده بر اثر سردی و گرمی آن‌ها بر اساس مزاج عناصر است. زیرا پایه و اساس تمامی فعل و انفعالات و تاثیر و تاثرات شیمیایی (باطنی) «شیوه‌های ساخت چهارگانه»، «طبایع چهارگانه» و «کیفیات مزاج عناصر» است. این موضوع قانونی ثابت در خلق تمامی مخلوقات بر روی زمین است. تولیدات سنتی در گذشته از قبیل داروسازی و رنگ‌سازی و غیره... ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر داشته‌اند. در اصول شیمیایی (باطنی)، کیفیات عناصر در «امتزاج» با یکدیگر و ایجاد انقلاب و تأثیر و تاثرات و فعل و انفعالات امری اساسی و بدیهی است. بنابراین به دست آوردن رنگ‌هایی مشابه با جنس و رنگ اشیاء موجود در طبیعت به صورت حقیقی امری کاملاً عادی و طبیعی به نظر می‌رسد زیرا منشاء ساخت آن‌ها مشابه همان منشاء ساخت اولیه عناصر موجود در طبیعت توسط خالق باری تعالی است.

منابع و مأخذ:

- ابن سینا، حسین. (۱۳۸۳). قانون. تهران: موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل. اردلان، نادر؛ بختیاری، لاله. (۱۳۸۰). حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی. اصفهان: نشر خاک. بلخاری حسن. (۱۳۸۴). مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی. پوریایی، آرزو؛ مراثی، محسن. (۱۳۹۷). "روش ساخت و کاربرد حبر اسود در نسخ خطی با تأکید بر رساله‌ی عمده الکتاب"، کتاب داری و اطلاع رسانی آستان قدس رضوی، ۲۱، ۳، صص ۱۶۵-۱۵۰.
- توبی‌های نجف‌آبادی، الهه؛ فنایی، زهرا. (۱۳۹۶). "تحلیل کاربرد رنگ در نگاره‌های معراج نامه میرحیدر بر مبنای جایگاه رنگ در قرآن مجید و احادیث"، نشریه علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۲۸، صص ۱۲۰-۱۰۱. تنکابنی، محمد مومن. (۱۳۹۴). تحفه المومنین، فرهنگ لغات و اصطلاحات طبی و داروسازی. تهران: چوگان.
- خان احمدی، معصومه؛ حاجی آقایی، رضا و دیگران. (۱۳۹۳). "مروری بر خواص دارویی گیاهان رنگزا"، فصلنامه گیاهان دارویی، سال سیزدهم، دوره ۴، شماره ۵۲، صص ۳ و ۴.
- خوش‌نظر، سید رحیم؛ رجبی، محمدعلی. (۱۳۸۸). "نور و رنگ در نگارگری ایرانی و معماری اسلامی". کتاب ماه هنر، صص ۸۵-۷۰.
- رازی، نجم الدین. (۱۳۸۷). مرصاد العباد. به اهتمام محمد امین ریاحی. چاپ دوازدهم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رضانژاد، محمدرضا؛ غنی‌پور ملک‌شاه، احمد و دیگران. (۱۳۹۹). "مقایسه کاربرد رنگ در ادبیات و عناصر بصری نگارگری در دو اثر منظوم خسرو و شیرین و لیلی و مجنون". نشریه علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۷، صص ۱۵-۳.

شایسته فر، مهناز. (۱۳۸۸). "قرآن‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، سده‌های اول تا ششم". نامه پژوهش فرهنگی، دوره ۳، شماره ۷، صص ۸۰-۱۰۰.

شکاری نیرو، جواد. (۱۳۸۲). "جایگاه رنگ در فرهنگ و هنر اسلامی ایران". مدرس هنر، ۳، صص ۹۰-۱۰۰.

شعبانی، عطیه. محمودی، فتنه. (۱۳۹۳). «تطبیق نقاشی‌های تورفان و نگاره‌های منظومه ورقه و گلشاه دوره سلجوقی». فصلنامه مطالعات تطبیقی هنر، شماره ۱۰، صص ۸۳-۹۷.

صادق‌پور، امید. (۱۳۹۲). مقدمات و مبانی داروسازی سنتی ایران. تهران: المعی.

صنهاجی، ابن بادیس. (۱۳۶۷). عُمْدَةُ الْکُتَابِ وَعُدَّةُ ذَوِي الْأَبَابِ. با مقدمه نجیب مایل هروی و عصام مکیه، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، انتشارات آستان قدس رضوی.

عقیلی خراسانی، سید محمد حسین. (۱۳۸۷). مخزن الادویه. تهران: دانشکده‌ی علوم پزشکی شهید بهشتی.

قللوسی اندلسی، ابوبکر محمدبن احمد. (۱۴۲۷). تُحْفُ الْخَوَاصِ فِي طُرْفِ الْخَوَاصِ (فِي صِنْعِهِ الْأَمْدَةِ وَالْأَصْبَاغِ وَالْأَدْهَانِ)، دکترمختار العبادی، مصر: مکتبه‌ی الإسکندریه.

کرین، هانری. (۱۳۹۰). واقع‌نگاری رنگ‌ها و علم میزان. ترجمه انشالله رحمتی، چاپ دوم، تهران: نشر صوفیا.

مجاهدی، مرتضی؛ ناصری، محسن. (۱۳۹۱). "مروری بر شاخصه‌های تعیین مزاج اولیه در طب سنتی ایران". فصلنامه تاریخ پزشکی، ۳۷، ۴، صص ۳۰-۴۲.

ناظم جهان، محمد اعظم. (۱۳۹۴). محیط اعظم جلد (۱)، تهران: المعی.

نصر، سید حسین. (۱۳۵۶). ایران پل فیروزه، رولف نبی، حسین نصر، مظفر بختیاری. تهران: ناشر وزارت اطلاعات و جهانگردی.

نصیری، محمد، افراسیاب پور؛ علی اکبر و دیگران. (۱۳۹۷). "نماد عرفانی رنگ در هنر و معماری اسلامی"، فصلنامه عرفان اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۶، صص ۵۰-۶۵.